

آیت‌الله‌رئیس:

شفافیت، اصلی‌ترین راهکار پیشگیری از فساد اقتصادی است

● دادایران: رئیس قوه قضائیه بر ضرورت پیشگیری از مفاسد اقتصادی تأکید کرد و گفت: اصلی‌ترین راهکار پیشگیری از فساد، شفاف‌سازی نظام اقتصادی کشور و نهادهای‌سازی شفافیت است. آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه، با قدردانی از رهبر معظم انقلاب به دلیل تدابیر حکیمانه‌شان در تشویق و ترغیب برای شکل‌گیری حرکت عظیم اربعین، افزود: از همه دولتمردان و مسئولان و همچنین نیروهای نظامی و انتظامی به‌ویژه مرزبانان صبور که تلاش کردند زائران بدون هیچ مشکلی به عراق مشرف شوند، تشکر می‌کنم. همچنین باید از دولت، ملت و مرجعیت عراق تشکر و قدردانی کرد. رئیسی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به راهبرد جمهوری اسلامی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تصریح کرد: براساس آنچه امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری برای ما ترسیم کرده‌اند، تعامل سازنده و همکاری با دولت‌ها و ملت‌ها و همچنین مقاومت و ایستادگی فعال در مقابل دشمنانی نظیر آمریکا، راهبرد اصلی و اساسی جمهوری اسلامی در همه این سال‌ها بوده است و همچنان خواهد بود.او با بیان اینکه مردم و دولتمردان نیز همواره به این راهبرد پایبند بوده‌اند و امروز همین راهبرد می‌تواند موجب توانمندی همه ملت‌های مسلمان باشد، خاطرنشان کرد: دشمنانی که امروز دم از مذاکره می‌زنند، دنبال رفع مشکل ملت ما نیستند؛ بلکه با تحمیل توافق‌های ظالمانه در پی کاهش نقش جمهوری اسلامی در منطقه، شکست راهبرد مقاومت و ایجاد اختلاف در داخل کشورند. رئیسی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت پیشگیری از مفاسد اقتصادی تأکید کرد و گفت: اصلی‌ترین راهکار پیشگیری از فساد، شفاف‌سازی نظام اقتصادی کشور و نهادهی‌سازی شفافیت است.براساس این سامانه‌های مربوطه در بخش گمرکات، بانک‌ها، امور مالیاتی ...، باید فعال و به یک‌دیگر مرتبط شوند تا کارآفرین، سرمایه‌گذار، بازرگان و تسهیلات‌گیر، در یک بستر هوشمند، نظارت‌پذیر شوند. رئیس قوه قضائیه با تأکید بر لزوم نظارت‌های هوشمند و رصد بهنگام و دائمی، به قانون ارتقای سلامت نظام اداری اشاره و اظهار کرد: این قانون بسیار قانون خوبی است که البته در بعضی حوزه‌ها عملیاتی نشده است. ما از نمایندگان محترم مجلس می‌خواهیم که زمان اجرای این قانون را تمدید کنند. رئیسی با اشاره به نقش قضایای رسیدگی به تخلفات اداری در پیشگیری از مفاسد نیز گفت: این هیئت‌ها ابزاری برای خود ادارات و دستگاه‌ها هستند که البته نباید فقط به کارمندان پایان، بلکه در همه سطوح باید توجه لازم را داشته باشند وفعال‌کردن این هیئت‌ها می‌تواند بسیار کارآمد باشد. از سوی دیگر فعال‌شدن حراست‌ها به‌عنوان چشم بینای قضایای رسیدگی به است و باید با بینایی، سنوایی، حساسیت و بیگیری جدی، اجازه شکل‌گیری فساد را ندهند. به‌هرحال نظارت‌های درون‌سازمانی بهترین راهکار برای دبین مسائل و رفع کاستی‌ها و نواقص پیش از تبدیل‌شدن مسئله به بحران و معضل است. همه این اقدامات در کنار رسیدگی‌های متصفانه و عادلانه دستگاه قضائی می‌تواند در مقابله با فساد مؤثر باشد و ما امیدواریم نظام اداری ما روزبه‌روز بیشتر در تراز انقلاب اسلامی و به‌دور از هر فسادای باشد.رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنان خود بر لزوم توجه هرچه بیشتر به زندان‌ها و بهبود وضعیت زندانیان در سراسر کشور تأکید کرد و بار دیگر با همه مراجع قضائی خواست که با بهره‌مندی از ظرفیت‌های قانونی، در راستای سیاست حبس‌زدایی و کاهش جمعیت کیفری حرکت کنند. رئیسی همچنین با اشاره به اعلام آمادگی ستاد مبارزه با مواد مخدر برای ایجاد اردوگاه‌های بازپروری معتادان، دستور پیگیری این موضوع را صادر کرد تا با ایجاد این اردوگاه‌ها، هیچ معتادی در زندان‌ها نباشد. او در پایان با اشاره به استقبالی دستگاه‌ها از سامانه ثبت اموال مسئولان، این سامانه را در صیانت از مدیران و اطمینان‌بخشی به مردم بسیار مؤثر دانست.

هستی قاسمی: با وجود دوگانگی‌های اخیر در جبهه

اصلاحات جهت حضور و عدم حضور در انتخابات مجلس پیش‌رو، امروز بسیاری از اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیده‌اند که باید به صورت مشروط حتی به قیمت شکست در انتخابات شرکت کنند، چراکه به باور برخی از اصلاح‌طلبان، حضور در انتخابات تنها راه مطلوب و فرصت ممکن برای احیای سرمایه‌های اجتماعی این جریان قلمداد می‌شود. اما این حضور در حالی است که هیچ افق روشنی پیش‌روی اصلاح‌طلبان و حیات سیاسی آنها وجود ندارد. حتی برخی پیش‌بینی‌ها از عدم اقبال عموم از اصلاح‌طلبان و دست‌آورد مطلوب این جریان در انتخابات اسفندماه حکایت می‌کند. با این همه، وقتی از ابراهیم اصغرزاده می‌پرسیم آیا با توجه به وضع موجود و تنزل سرمایه‌های اجتماعی بهتر نیست اصلاح‌طلبان به جای حضور در انتخابات به احیای سرمایه‌های اجتماعی خود بپردازند؛ او در پاسخ می‌گوید: «بازگشت به جامعه‌ای که امبدش از سیاست سلب شده نوشداری بعد از مرگ سهراب است. اگر منظور از احیای سرمایه اجتماعی تحریم انتخابات باشد، سر به بیراهه گذاشتن است». بر این اساس، درباره مسائل یادشده با این فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

✎ سرمایه اجتماعی که سوخت محرک حرکت اصلاح‌طلبانه است به‌صورت دامنه‌داری دچار آسیب شده است، دلیل این وضعیت چیست؟ متأسفانه نظرسنجی‌ها گزاره کاهش شدید سرمایه را تأیید می‌کنند. سرمایه اجتماعی نوعی دارایی نامشهود است که از نسبت اعتماد بدنه به اعتبار گفتمان یک جریان سیاسی سنجیده می‌شود. این نوع سرمایه میراث تاریخی و معنوی سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه از دوم خرداد ۷۶ تاکنون است. ذات و جوهر‌هاش از جنس ارتباط ذهنی و تعامل خوش‌بینانه است به همین علت فرارتر است و به‌راحتی در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. در سطوح ملی نیز هرچه ارتباط روردر از درجه اعتماد بالاتری برخوردار باشد اعتبار نظام‌های نمادین افزون‌تر شده و تعامل و مبادله کم‌هزینه، سریع و روان‌تر صورت می‌گیرد. اگر جریان‌ات سیاسی بتوانند به‌موقع ضربه‌های حرکت خود را با تحولات پرسرعت اجتماعی و تغییرات نسلی تنظیم کنند، سبد این سرمایه کوچک و تنگ‌تر خواهد شد. اجازه دهید مثالی عینی‌تر بزنم. این روزها می‌بینید کنشگران مدنی در مواجهه با پدیده ارسال میلیون‌ها کامنت زیر پُست اینستاگرام خواننده مبتذل بر دست‌وپای خود را کم کرده‌اند. باید پرسید چرا جامعه تا این حد خنثی و سیاست‌زدایی شده است؟ چه کسی یا چه نهادی باید پاسخ‌گوی این خودویرانی روانی باشد؟ انسان یاد خودکنشی دسته‌جمعی نهنگ‌های اقیانوس می‌افتد. اگر این پدیده مصداق فروپاشی سرمایه سیاسی اجتماعی نیست، پس نشانه چیست؟ شاید بعضی توجه کنند سخن‌گفتن از سقوط آزاد سرمایه اجتماعی این روزها که کشور تحت فشار تحریم‌های حداکثری دشمن قرار دارد آدرس‌دادن انحرافی است. اصولگرا‌ها که همه مؤسسات فرهنگی و دینی، دانشگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و تبلیغی، نمازجمعه‌ها، دفاتر تبلیغات اسلامی، فرهنگستان‌ها و صداوسیما را در قبضه دارند با آن ارقام بودجه‌ای که در این سال‌ها هزینه کرده‌اند فرافکنی می‌کنند و طبق معمول منشأ آن را به بیرون مرزا و نقش دشمن نسبت می‌دهند.

✎ چرا مردمی که روزی به دلیل ادامه راه برجام و لغو تحریم‌ها از دولت روحانی در سال ۹۶ حمایت کردند، امروز سلب‌رئیتی‌های کم‌مایه را به نخبگان سیاسی و فرهنگی ترجیح می‌دهند، علت این سقوط چیست؟ اگر تحولات یکی، دو سال اخیر را مورد توجه قرار دهیم درمی‌یابیم چالش‌های سیاسی بیشترین تأثیر را بر سرعت تحولات اجتماعی داشته و متقابلا از شدت و ضعف آن نیز تأثیر پذیرفته است. پیروزی قاطعانه طبقه متوسط و میانه‌رو‌ها در انتخابات ۹۶ که خود ناشی از momentum و برنامه ویدئامسکی تعامل با دنیا بود هیچ‌گاه توسط جریان مقابل به رسمیت شناخته نشد و هیچ‌گاه نزد دولت و اصلاح‌طلبان پیروز نیز به راهبرد و راهنمای عمل تبدیل نشد. گنج‌سری و سرخستی جناح محافظه‌کار در برهم‌زدن نتیجه انتخابات و عقب‌نشینی‌های پی‌درپی دولت روحانی و شکنجایی به‌مفعولانه اصلاح‌طلبان که سیاست‌ورزی را به طرح مطالبات حداقلی و تداوم حیات نباتی در حاشیه قدرت فرو کاست، پیام دلهره‌آوری به جامعه پیام کرد؛ باید پیادولتی؛ یک کم‌خاست



عین‌الدین ابراهیم اصغرزاده، نویسنده و فعال اجتماعی

با بی‌خاصیت شدن هر نهاد برآمده از انتخاب مردم در برابر اختیار بی‌حدوصحیر سایر نهادها، پیام فقدان توازن میان دو روی سکه مسئولیت و اختیارات، اوج ناکارآمدی در دایور و دستگاه‌های دولتی که عملا به نادیده‌گرفته‌شدن مطالبات منزلتی، رفاهی و معیشتی و سقوط قدرت خرید مردم انجامید. سهم بزرگ ستیزه‌جویی دولت پنهان و قدرت اقتصادی عظیمش را که به ظاهر نقش رقیب سیاسی را ایفا می‌کرد، اما در باطن و سیرت مخالف سرسخت اصلاح و تحول بود، نباید دست‌کم گرفت. راست افراطی که خود را حافظ سنت و صاحب رسالت برای مدیریت جهان می‌پندارد مانند جریان راست افراطی آمریکا، از اقدام ترامپ در خروج از برجام و بازگشت تحریم‌ها استقبال کرد و آن را فرصتی برای رادیکال‌کردن جامعه یافت. تندرو‌ها دارند آماده می‌شوند در انتخابات پیش‌رو به دنیا ثابت کنند اینجا در بر همان پاشنه سابق می‌چرخد.

✎ این وضعیت تا چه اندازه تحت تأثیر مواضع اصلاح‌طلبان است؟

متأسفانه راهبرد اصلاح‌طلبان که حیات و ممت خود را به توجیه وضع موجود و اینکه در بازی قدرت چه سهمی داشته باشند گره زد، ضدمات جریان‌ناپذیری به تفکر و اندیشه اصلاحات زد. ۱۱ سپتامبر اصلاح‌طلبان، اعتراضات دی‌ماه ۹۶ بود. مواضع گنج‌کننده و شتاب‌زده در انکار آن نگرانی دیوار بلند میان اصلاح‌طلبان و توده‌ها کشید. اصلاح‌طلبان تلاش کردند با انتساب اعتراضات به جریان رقیب و کم‌اهمیت جلوه‌دادن عدد معترضان، از اهمیت آن اعتراضات بکاھند تا بار مسئولیت همدلی با آن را از شانه‌های خود بردارند و خود را به زحمت و دردهسر نیندازند. در مجموع موضع اصلاح‌طلبان نسبت به آن اعتراضات و حتی اعتراضات صنفی و کارگری اخیر به‌ویژه آنجا که انگشت اشاره به سوی خصوصی‌سازی و واگذاری بنگاه‌های دولتی نشانه می‌رفت، این بود که چون موضوع معیشتی است، پس خارج از گفتمان اصلاح‌طلبی است و ارزش هزینه‌پردازختن ندارد. بعضی اصلاح‌طلبان هم نسخه بقا و سکوت تجویز کردند و گفتند بهتر است سر خود را پایین بگیریم تا از توفان بلا به سلامت گذر کنیم و برخی هم توصیه می‌کنند به‌جای چانه‌زنی، بهتر است به همین سهم اندک و حتی کمتر از این از کیک قدرت بسنده کنیم و قناعت پیش بگیریم.

✎ اساسا آیا بهتر نیست جریان اصلاحات به جای حضور در انتخابات به احیای سرمایه‌های اجتماعی خود بپردازد؟

اعتماد نسبت به اثربخشی نهادهای انتخابی مثل مجلس و دولت منتخب سقوط آزاد کرده است. در حالی که مردم همواره به انتخابات و مشارکت اعتماد نسبی داشته و سرمایه خود را صادقانه صرف ثبات کرده‌اند، اما در مقابل چه به‌دست آورده‌اند؟ الزام به شئی، ما را ملترزم به لوازم و نجات شئی، می‌کند. خب، ناکارآمدی موجود که پدیده‌ای یک‌شبه نیست محصول سال‌ها حذف و طرد و غیرت‌سازی است. باید اعتراف کرد ابرق را هرچیزپردازختن نداد. از این حیث موفق عمل کرده است. حالا می‌گویید به جامعه برگردیم به کدام جامعه؟ جامعه مدنی شش‌پرده شده است. مگر سرمایه اجتماعی به همین سادگی مانند سرمایه بانکی تأسیس و انباشت می‌شود. بازگشت به جامعه‌ای که امبدش از سیاست سلب شده، نوشداری بعد از مرگ سهراب است. اگر منظور از احیای سرمایه اجتماعی تحریم انتخابات باشد، سر به بیراهه گذاشتن است. اما اگر منظور از بازگشت به جامعه خلق مطالبه برای تشکیل مجلسی در قد و قواره قانون اساسی از طریق برگزاری انتخابات عادلانه باشد، موافقم که باید از فرصت انتخابات برای برگرداندن سیاست به جامعه، نقد قدرت و اصلاح وضع موجود استفاده کرد. برگرداندن انحصار قانون‌گذاری به مجلس و پاسخ‌گوکردن تمامی مسئولان، مشئت دولت یا نیروهای پنهان را باز خواهد کرد از این‌رو امید به اصلاح در مردم زنده می‌شود. ضمن آنکه برگزاری انتخابات آزاد‌تر فارغ از اینکه آن را بر مشارکت همه اقشار، اقوام و احزاب در مدیریت کشور، فراتر از اصلاح‌طلب و اصولگرا باز می‌کند، بی‌اعتمادی مردم را کاهش می‌دهد و امید به مهار ناکارآمدی و فساد را به جامعه برمی‌گرداند. این راه کوتاه‌ترین و مناسب‌ترین مسیر باافزاینی سرمایه اجتماعی یک جریان سیاسی است. جامعه ایران یک جامعه تحول‌خواه، نوگرا و جنبشی است. یعنی مطالبات

سیاست

ابراهیم اصغرزاده در گفت‌وگو با «شرق»

تحریم انتخابات سر به بیراهه گذاشتن است



مدرن و برابری‌خواهانه دارد، استعداد بالایی در فهم موقعیت دارد. قادر است از مطالبات افراطی بنیادگرا‌ها تا حرکت‌های سرنگونی طلب و برانداز را در دستگاه‌هاضمه‌اش هضم و جذب کند. بارها نقشه و اراده افراطیون را نقش‌برآب کرده است. ترجیحات و اولویت‌های جامعه‌گاهی از امنیت تا معیشت با مطالبه حقوق شهروندی در نوسان بوده است؛ زمانی ترجیحاتش مشروط‌سازی قدرت، توسعه سیاسی و قانون‌گرایی بوده، یک زمان دفاع از آزادی‌های اجتماعی و ممانعت از به‌قدرت‌رسیدن تندرو‌هاست.

✎ ممکن است اکنون جامعه به‌ویژه اقشار فرودستن به دلیل فشارهای اقتصادی تحت تأثیر شعارهای پوپولیستی تندرو‌ها در انتخابات اسفندماه قرار گیرند و به این طیف اجازه بروز و ظهور مجدد را در مجلس یازدهم بدهند؟

اقشار تهیدست و حاشیه‌نشین یا طبقه متوسطی که به‌دلیل سیاست‌های دولت به سطوح پایین‌تر لغزیده‌اند، آمادگی پذیرش اندیشه‌های رادیکال را دارند از این بابت اهداف مناسبی برای سرمایه‌گذاری افراطیون و منطق افراطی‌اند. اما دیدید در بزنکاه مردم چگونه با کارت خود بازی کردند و ورق را برگرداندند. شاید تصور شود روزی سرانجام مردم از این رقابت فرسایشی با قدرت‌های در سایه خسته شده و بالاخره تسلیم آنها شوند. من چنین تگاهی ندارم، این‌طور نیست که مردم نسبت به قدرت تگاهی که ناشی از حق رای‌شان است، بی‌تفاوت باشند شاید اعتراض کنند ولی از حق خود بر نهادهای انتخابی نخواهند گذشت. برای آنها انتخابات فقط به‌قدرت‌رساندن کسی نیست، بلکه از قدرت بدیزخ‌کشیدن نیز موضوعیت دارد. خستگی مردم را قبول دارم، مردم از ناکارآمدی سیستم، از تبعیض‌ها و نابرابری‌ها ناراضی هستند ولی عموماً تجزیه و تحلیل می‌کنند و دنبال راه‌حل عادلانه و متعادل‌تر می‌روند. سیاست‌مداران اصلاح‌طلب نباید به جای شکنجایی و اصرار بر تغییرات تدریجی یک‌راست بروند سراخ اینکه و بگویند چون اسدساد سیاسی است، پس باید به‌صورت برگشت‌ناپذیر از صندوق‌های رأی قهر کرد. ضمن آنکه باید بذیرفت بهره‌نگرفتن از فرصت انتخابات و واگذاری این عرصه به حریف، به یکدست‌شدن کامل‌تر قدرت انجامیده و منطق طرف مقابل را گسترش خواهد داد. فراموش نکنیم که ایده احیای سرمایه اجتماعی از طریق بازگشت به جامعه در دولت احمدی‌نژاد هم مطرح شد. نتیجه چندان راضی‌کننده نبود؛ چون منطق موجود اجازه کوچک‌ترین تحریک به فعالان سیاسی و کنشگران مدنی نمی‌داد. جامعه مدنی به‌قدری شخم زده شد که رمقی برای سیاست جامعه‌محوری باقی نماند. ازاین‌رو بعضی از تحصیل‌کرده‌ها و نیروهای دارای صلاحیت علمی و فنی مجبور به جلاّی وطن و اقامت در محلی دیگر شدند. فراموش نکنیم که پروژه احیای سرمایه اجتماعی نیازمند داشتن چشم‌اندازی از راه‌حل برای دو آبرچالش «بی‌اعتمادی» و «ناکارآمدی» است؛ یعنی داشتن برنامه برای جذب و به‌کارگیری نخبگان و نمایندگان واقعی مردم که آن‌هم متکی بر تغییر موازنه به نفع گشودگی و انبساط فضای سیاسی است.

✎ با توجه به اینکه تحریم انتخابات سر به بیراهه‌گذاشتن است، اصلاح‌طلبان از چه طریق و با چه راهکاری می‌توانند به احیای سرمایه‌های اجتماعی خود در نتیجه ترجیب جامعه برای حضور در انتخابات بپردازند؟ در وهله نخست باید به اصلاح‌طلبان بوروکرات که مزه قدرت زیر زبان‌شان مژه کرده و کاسه‌کوزه‌ها را می‌خواهند بر سر اصلاح‌طلبان پیش‌رو، نیروهای تحول‌خواه و آواکنارد بشکنند، گوشزد کرد که دیگر راهبرد ترساندن جامعه از شرایط وخیم‌تر کارایی ندارد و نمی‌توان از این طریق مردم را به انتخاب بین بد و بدتر وادار کرد. جریان اصلاح‌طلب برای اینکه بتواند مقبولیت و مشروعیت ازکف‌رفته و سرمایه اجتماعی و تاریخی خود را بازیابی کند، احتیاج به بازنگری گفتمانی و تأملات جدی انتقادی در درون دارد.

باید توضیح دهد که چرا در مقاطعی سکوت کرده و دست به عقب‌نشینی‌های بی‌مورد زده است یا به اصولگرا‌ها چک سفیداصا داده است تا فرصت بزرگ‌کردن سیاست‌های تخریبی خود را بیابند و از اصلاح‌طلبان به‌عنوان یک پل برای رسیدن به اهداف‌شان و تثبیت آن استفاده کنند. اصولگرا‌ها با زیرکی و ایجاد بحران در سهال‌های گذشته پای

اصلاح‌طلبان را به مناقشات فصلی و فرسایشی کشاندند و آنها را درگیر مسائل روزمره پیش‌یافتاده کردند. ازاین‌رو اصلاح‌طلبان نتوانستند پیام خود درباره اصلاحات بنیادی و ساختاری را به جامعه منتقل کنند و دچار گسست و تاخیر تاریخی از هویت و ذات واقعی خود شدند و نتوانستند فرکانس گفتمان خود را روی امواج بخش‌های نوگرا و تحول‌خواه جامعه تنظیم کنند؛ تاجایی‌که سهم تغییر تقابل سبک زندگی نسل جدید با سیاست‌های کلیشه‌ای را درمان‌گرا و هویت‌خواه هستند؛ ولی این روزها حق دارند که اولویت را به مطالبات معیشتی و صنفی بدهند. سیاست خارجی و سیاست داخلی را نیز تا آنجا پی می‌گیرند که به کارآمدی و حل گره‌های اقتصادی و رفح بحران‌های موجود بینجامد.

✎ راه برون‌رفت از این وضعیت؛ یعنی تنزل سرمایه‌های اجتماعی اصلاح‌طلبان چیست؟

راهکار اصلی احیای سرمایه اجتماعی و ترغیب مردم به مشارکت، به رویکرد اصلاح‌طلبان بستگی دارد. اینکه تقصیر را به گردن تحریمی‌ها یا مردمی که قصد شرکت در انتخابات را ندارند، بیندازیم، مشکل ما را حل نمی‌کند. بعضی افراد تحلیل می‌کنند که اگر مروج انتخابات‌بیزخ و مردم ای صندوق‌های رأی شش‌دنده شوند، مطمئن باشید اصلاح‌طلبان پیروز خواهند شد. این دوستان استدلال می‌کنند که اگر منتقدان و ناراضیان در سال ۸۴ هم پای صندوق‌های رأی می‌آمدند، آن فاجعه هشت‌ساله رخ نمی‌داد؛ یعنی تحریم‌ها و ناراضیان از وضع موجود مستقل می‌توانند بر سرنوشت جریان‌ات سیاسی سلبی و ایجابی تأثیر بگذارند. این منطق درعین‌حال که درست است، روی بخش دیگر حقیقت را می‌پوشاند، یعنی ناکارآمدی اصلاح‌طلبان و خطای راهبرد حضور آنان در قدرت را انکار می‌کند و در عوض تحریم‌کنندگان انتخابات را مسئول شکست سیاست اصلاح‌طلبی و روی‌کارآمدن جریان افراطی قلمداد می‌کند. منظور این است که بخش‌هایی از جامعه از سیاست خسته شده‌اند و از سیاست‌مداران دلخورند. از احزاب و گروه‌های سیاسی بالادستی دل‌زده شده‌اند و می‌گویند همه سیاست‌مداران، از اصلاح‌طلب و اصولگرا دست‌شان در یک کاسه است و درد مردم را نمی‌فهمند. اینجا حرف‌هایی است که در کوچه و خیابان، اتوبوس و تاکسی و مترو، در محافل خانوادگی و فضای مجازی می‌شنویم. جامعه گرفتار نوعی عصبانیت و خشونت زبانی شده است. می‌بیند چپ و راست قرفی ندارند. می‌بیند اصلاح‌طلب کنار محافظه‌کار ایستاده و دارد سیاست او را ترجمه و بازگو می‌کنند. جامعه گاهی به هجو و تمسخر و گاهی حتی به قهر و لعن‌کردن رو می‌آورد و این نشان‌دهنده حقایقی تلخ است که در همین کامنّت‌گذاری‌ها در فضای مجازی و احتکار کالا و انجاس در انبار‌های غیرمجازی هم می‌توان دید. کار ویژه سیاست‌ورزان و کنشگران سیاسی کشف به‌موقع تحولات زیرپوستی و ترجمه آن به سیاست است. باید خود را میانجی مطالبات مردم در برابر دولت قرار دهد تا جامعه را با سیاست آشتی دهد و امید را به ذهنیت جامعه برگرداند. اینجا دقیقاً همان نقطه‌ای است که اصلاح‌طلبان باید آنجا بایستند.

آدرس پاسخ سؤال شما در همین تمرکز و نقش میانجیگرانه است. کنار مردم و با مردم ایستادن و صدای بی‌صداهای بی‌صدا، تصور می‌کنم هنوز اصلاح‌طلبان فرصت دارند صادقانه سخن بگویند و از برنامه خود برای اصلاح مسیر سیاست داخلی و خارجی و کاهش آلام جامعه بگویند و چهره‌های فسادستیز و پاکدست و امتحان‌داده خود را به میدان بفرستند تا ورق بگردد. باید ادامه تلاش گفتمانی میان اصلاح‌طلبان و رویه‌اندبا محافظه‌کاری عقب‌مانده از قافله تاریخ در هر شکل و نوع را به پشت خاکریزهای انتخابات بکشاند.

✎ باوجود دوگانگی در جریان اصلاحات در ماه‌های اخیر برای حضور و عدم حضور در انتخابات مجلس پیش‌رو، اکنون بسیاری از اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیدند که باید در انتخابات، آن هم به صورت مشروط، شرکت کنند. اساسا این حضور آن هم با وجود احتمال کم و مبتنی بر چه استراتژی است و آیا به مفهوم نوعی حیات نباتی این جریان تلقی نمی‌شود؟

نگاه مردم به صندوق رأی از جنس براندازی، فروپاشی نظم موجود و انجام انقلاب نیست ولی استعداد تبدیل‌کردن انتخابات به رفراندوم درباره سیاست‌های محافظه‌کاران را دارد. اگر انتخابات بار معنایی متفاوت از گذشته داشته باشد و عزم و اراده‌ای ملی برای تشکیل پارلمان ملی و قدرتمند شکل بگیرد مردم ابتکار عمل را به‌دست گرفته با بازگشت به سیاست به بهبود و اصلاح اوضاع کمک خواهند کرد. متأسفانه همان‌طور که اشاره شد، حوادث دی‌ماه ۹۶ تأثیر ویرانگری بر این نوع سیاست داشت. بعد از واکنش منفعلانه اصلاح‌طلبان به اعتراضات خیابانی ۹۶ نگاه عمومی به احزاب و سیاست‌مداران تغییر کرد. مفهوم سیاست خیابانی‌تر و منفعت‌محور شد و به تعبیری از جامعه مدنی و سیاست مبتنی‌بر تحزب مفهوم‌زدایی شد. اصلاح‌طلبی که از زمان سیدجمال‌الدین اسدآبادی تاکنون به چانه‌زنی و لابی در سطوح بالا تعبیر و معنا می‌شد، زیر سؤال رفت. انتخابات پیش‌رو از یک زاویه دیگر هم اهمیت دارد؛ اینکه در آن سه قطب قدرتمند و دارای پشتوانه ظهور و بروز خواهند داشت.

ادامه در صفحه ۱۵



۴۰ سال بحث؟

● عبدالله گنجی: عبارت روحانی در دانشگاه تهران که «۴۰ سال بحث می‌کنیم و به نتیجه نمی‌رسیم»، اگر با سنجیدن همه جوانب و برداشت‌های محتمل از آن عنوان شده باشد، بسیار تأمل‌برانگیز است و می‌توان متناسب با تکرر برداشت‌ها، تنوعی از پاسخ‌ها را به آن داد... علت اینکه چرا روحانی صریحاً مصداق را عنوان نمی‌کند، چیست؟ شاید می‌داند وسط جنگ نباید چنین کند و می‌کند، شاید اگر مصداق را بگوید خروارها مطلب از خودش علیه خودش منتشر می‌شود و مهم به تناقض و تضاد و ابن‌الوقتی می‌شود. اما چاره کار چیست؛ چاره اول این است که روحانی اگر می‌تواند، دو سوم نمایندگان مجلس را قانع کند و این مسیر را طی کند، چاره دوم اینکه بدانیم سازه‌های ناهمسو با نظام از درون حاکمیت یا روشنفکران امروز (سیاست‌ورزان دیروز) سرجمع به صد نفر نمی‌رسند، اما سرورصدای آنان بلند است و روحانی معمولاً خود را با آنان تنظیم می‌کند...اما می‌توان صحنه را طور دیگری دید. یک ملت پویا، زنده و روبه‌چلو باید مملو از اختلاف سلیقه باشد. بحث برای یک ملت زنده نباید معضل محسوب شود. همین الان تندترین مباحث در انگلیس، آمریکا و فرانسه برقرار نیست؟ چرا کسی از فرزندانش حرف نمی‌زند؟ ترامپ که نیروی نظامی به خاورمیانه می‌برد یا می‌آورد رفراندوم می‌کند؟ برای بمب‌هایی که بر سر مردم یمن ریخته می‌شود نظر مردم آمریکا گرفته شده است؟ ... پیشنهاد این است که روحانی با نگاه جامع به این پنج اصل به‌علاوه کارآمدی دولت بحث ۴۰سال‌ش را رقیق نماید. اگرچه تمام‌شونده نیست. زیرا در جامعه‌ای زنده آن هم با حکومتی کم‌تجربه، اختلافات طبیعی خواهد بود. نسل ما بنیان‌گذار سبک جدید حکومت است و هر روز تجربه‌ای نو اضافه می‌شود و این امری کاملاً طبیعی است.

نقد و نظر

سکانس دوم اقتصاد ۹۸

● سکانس دوم اقتصاد کشور در سال جاری در «سینماز علمی چشم‌انداز بازارها در نیمه دوم سال ۹۸» به نمایش درآمد. کارشناسان در این سینماز با مرور شاخص‌های بخش حقایق اقتصاد پیش‌بینی کردند که در سال جاری در نسبت به سال قبل عمق بیشتری پیدا خواهد کرد. اقتصاددانان در شناسایی جنس رکود فعلی و تفاوت آن نسبت به تجربه تحریم‌های قبلی به روش نکته مهم اشاره کردند؛ اولین تفاوت وقوع رشد منفی خدمات (به‌عنوان بزرگ‌ترین بخش از اقتصاد ایران) در رکود فعلی است؛ درحالی‌که در دوره قبلی چنین کاهشی در رشد این بخش رخ نداده بود. نکته دوم مربوط به افت مصرف خانوارهاست. سناریوهای احتمالی روند تورم نیز شاخص دیگری بود که سکانس دوم اقتصاد ایران را به نمایش گذاشت. کارشناسان مسیر آینده تورم پس از تخلیه شوک آری را روابسته به رفتار بانک مرکزی و دولت و پوشش کسری بودجه دانستند؛ به‌گونه‌ای‌که تورم در صورت اخذ سیاست‌های مناسب در مسیر کاهشی قرار می‌گیرد و در غیر این صورت، در یک روند معکوس به روند افزایشی بازخواهد گشت. در این سینماز که گروه رسانه‌ای «دنیای اقتصاد» برگزار کرد، وضعیت بازارهای دارایی در نیمه دوم سال نیز تحلیل و بررسی شد.

انتقاد

این بار فقط اصلاح‌طلبان

● صادق جوادی حصار: انصراف دکتر محمدرضا عارف از ادامه رقابت‌های ریاست‌جمهوری دهم، آن‌هم به تدبیر اصلاح‌طلبان و اشاره رئیس دولت اصلاحات که پیروزی جریان ائتلافی اصلاح و اعتدال را در پی داشت، چنان محبوبیتی را برای وی رقم زد که هیچ حرکتی در ادامه راه، بدون نظرداشت به نقش و جایگاه او میسر نمی‌نمود... نکته حائز اهمیت در این باب شاید تصمیم اصلاح‌طلبان برای انتخابات مجلس پیش‌روی یازدهم باشد که اعلام کردند در این دوره فقط از اصلاح‌طلبان حمایت می‌کنیم. از اینها گذشته سران شخصیت‌هایش عموماً از چهره‌های پرنفوذ در هر دو جریان راست و چپ هستند. پیشینه این حزب و تأثیرش از راه و روش مرحوم آیت‌الله هاشمی جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که کارگزاران سازندگی با مشی اعتدالی هاشمی آغاز کرد و در جریان دوم خرداد جانب اصلاح‌طلبان را گرفت. در ادامه نیز همان‌سان که هاشمی بیشتر به جانب مردم گرایش یافت، چرخ کارگزاران هم به سمت اصلاحات روان‌تر چرخید. بدون تردید امروز کارگزاران سازندگی یکی از احزاب قدرتمند و مؤثر این جبهه است و با مشی اعتدالی حسن روحانی و مرحوم هاشمی حتماً فاصله‌محداری گرفته است.